

# فیلوپونوس و تطور اندیشه فلسفی وی

فرهاد اسدی<sup>۱</sup>، مریم سالم<sup>۲</sup>، سید محمد اسماعیل سیدهاشمی<sup>۳</sup>

## چکیده

فیلوپونوس، فیلسوف نوافلاطونی - اسکندرانی دوره متأخر، در اکثر علوم عصر خود به حدی متبحر شده بود که برخی به او لقب علامه دادند. ولی این تنها خصوصیت بارز این متفکر مدرسه اسکندریه نیست. اندیشه فیلوپونوس در طول عمر آکادمیک خود، دچار نوسانات شگرفی گردید که برخی شجاعت او را در نقد و رد آراء پیشینیان در حد یک قهرمان ستوده‌اند و وی را راهگشای تفکر نقادانه دانسته‌اند و برخی هم وی را بزذل و طماع دانسته‌اند که برای نجات جان خویش و اغراض مادی، در مقابل فشار حکومت مسیحی - رومی تسلیم شد و از دستاوردهای فلسفی خویش دست شست. در نوشتار حاضر تلاش شده تا حدی، پرده از چهره رازآلود این فیلسوف، با استناد به آثار ارزشمند پژوهشگران معاصر، کنار زده شود و در جهت تعمیق فهم درست از سیر تطور اندیشه فلسفی در تاریخ فلسفه گامی، هرچند کوچک، برداشته شود. از جمله مواردی که این نوشتار مورد توجه قرار میدهد، چگونگی تعامل مدرسه اسکندریه با حکومت مقتدر مسیحی است، بنحوی که در دوره مورد

۲۹

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)؛ farhad.assadi@gmail.com

۲. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه شهید بهشتی؛ m\_salem@sbu.ac.ir

۳. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه شهید بهشتی؛ m-hashemy@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۲ تاریخ تأیید: ۹۷/۸/۱۵



نظر، زمینه رشد و نمو فیلسوفان و شارحان مروج اندیشه ارسطویی از جمله فیلسوف مورد نظر ما فراهم گردید. ولی شاید مهمترین دستاورد این نوشتار بررسی رویکرد نقادانه فیلوپونوس نسبت به آراء ارسطو و اسلاف وی و مقایسه تطبیقی مهمترین آراء فلسفی فیلوپونوس در دو دوره از فعالیت آکادمیک وی باشد؛ آراء متضاد و گاه متناقضی که در جای خود محل بروز مناقشات قابل توجهی گردید و آثار خاص خود را بر سیر تحول اندیشه فلسفی جوامع مختلف از جمله فلسفه اسلامی بر جای گذاشت.

**کلیدواژه‌ها:** فیلوپونوس، نوافلاطونی اسکندرانی، قدم جهان، رویکرد نقادانه،

الهیات مسیحی

\* \* \*

#### مقدمه

آنچه انسان را از سایر موجودات متمایز ساخته و زندگی او را هدفمند میکند، اندیشه است. مقام اندیشه مقامی بس والا، ارجمند و قاطع است؛ هرچند دستیابی به قلّه رفیع اندیشه بسادگی میسر نیست بلکه معسور است. از جمله دشواریها، در این راه، اندیشیدن اندیشه دیگران است؛ دیگرانی که عمر گرانبهایه را در اندیشیدن سپری کردند تا از ورای اوهام به حقایق اشیاء دست یابند. میراث ما از این اندیشه‌ها متنهایی است به زبانهای مختلف که گاهی اصل آنها از بین رفته و ترجمه‌یی از آنها به زبانی دیگر باقی مانده است. در گذرگاه تاریخ چند هزار ساله، در هر مقطعی، اندیشمندان بر این متون شرحها و تفسیرها نوشته‌اند و آنها را به نقد کشیده‌اند و گاهی آنها را تأیید و گاهی رد کرده‌اند. اندیشمندان نیز خود در ادوار مختلف در موضوعی واحد، گاه، آراء متفاوتی را ابراز داشته‌اند و گاه، نظریات پیشین خود را رد کرده‌اند. رد آراء فلسفی یک فیلسوف توسط خودش که نوعی خودزنی است، در مواردی میتواند نشان از تحول فکری و شجاعت علمی وی بوده و تحسین برانگیز

